



۲۰۱۹/۰۴/۲۸



رؤیانیازی (شعله)
ارسالی: زمري کاسی

زن ، فروزانی.....



زن ، برای عشق و امید و فروزانی بس است
مهر پایا بر شما ، یا هر گلستانی بس است

از نگاه مست او آینه حسرت می خورد
بر دل فرهاد ها یک تیر مژگانی بس است

در تبار عاشقی ها هر چه داری از زن است
راستی را پیشه کن افکار شیطانی بس است

مشق اعمال فنا می گردد از اعیان عقل
کم کن از نقش فریبت عیش پنهانی بس است

عفت دامن زن دنیا ی عشق و زندگیست
این گل آزاده را دیگر نگاهی بس است

ای صبا ! نقش نگینت را رسان در کام وصل
بر سبب انگشتر مُلک سلیمانی بس است

تا خدا با چشم زن.... مستانه هایش آفرید
گفت، دیگر این برای عشق و حیرانی بس است

طره ی گیسوی او با مُشک و عنبر خلق شد
بشنو عاشق ! تا قیامت این پریشانی بس است

عشق پاک زن به رگ هایش مثال خون اوست
سینه اش را وسعت یک عشق طوفانی بس است

ای به جانم خفته در لالایی شعر و غزل !
این همه مهجوری و سر در گریبانی بس است

بغض سنگینی گلوی آسمانم را گرفت
چشم گریانم برای ابر بارانی بس است



د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ